

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دوازدهم ، شماره چهل و ششم ، زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

صفحات: ۱۵۴ - ۱۲۴

بررسی متغیرهای کلان اقتصادی موثر بر نظام تولید در اقتصاد ایران^۱

(با نگاهی بر وظایف پلیس امنیت اقتصادی)

نویسنده:

ابوالفضل طاهریان^{۲*}

چکیده

در جوامع امروزه مسئله تولید و بالتبع نیروی کار، به یکی از مهمترین و ضروری ترین دغدغه‌های تصمیم‌سازان و دولتمردان تبدیل شده‌است. تولید در هر کشوری عموماً درصد بالایی از سیستم اقتصادی در آن کشور را شامل می‌شود که می‌توان با توسعه و گسترش آن به درآمدهای بالاتری دست یافت. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه سالیانه درصد بالایی از بودجه مصرفی خود را به حوزه تولید و اشتغال اختصاص می‌دهند. همچنین در سالهای اخیر و با تغییر رویکرد دولت ایران در حوزه منطقه‌ای و جهانی و عضویت در پیمان‌های اقتصادی بزرگ مانند پیمان بریکس^۳، پیمان اقتصادی شانگهای^۴، پیمان آرسپ^۵ و غیره راه ارتباطی و تجاری ایران در حوزه درآمدهای نفتی و غیر نفتی به مراتب گسترده تر از قبل شده شده است. برای پرداختن به اشتغال و تولید باید به متغیرهایی بپردازیم که تغییر در آنها سبب تغییر در تولید و اشتغال می‌شود. یکی از مهمترین این عوامل در کنار سایر عوامل که ارتباط بیشتری با وظایف دستگاه‌های انتظامی امنیتی از جمله پلیس امنیت اقتصادی دارد، قاچاق کالا و ارز می‌باشد. قاچاق کالا به شکل مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند بر سرمایه‌گذاری تأثیر منفی داشته باشد. با ورود کالاهای قاچاق (با قیمت پایین) و وارد شدن ضربه به تولید داخل، تقاضا برای محصولات تولیدی کاهش می‌یابد و به دنبال خود، کاهش سودآوری و نهایتاً کاهش سرمایه‌گذاری را در بخش تولید داخلی موجب

۱: این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی کسری خدمت آقای ابوالفضل طاهریان می‌باشد.

۲: کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان - abolfazl84532399@gmail.com

^۳ BRICS agreement

^۴ Shanghai Economic Pact

^۵ ARSP agreement

می‌گردد. کاهش سرمایه‌گذاری نیز باعث کاهش اشتغال می‌شود و نرخ بیکاری را افزایش خواهد داد. با افزایش بیکاری بر بحران‌های اجتماعی و تبعات ناشی از آن نیز افزوده خواهد شد، در نهایت می‌توان گفت با افزایش قاچاق کالا در نهایت امنیت اقتصادی جامعه به خطر می‌افتد. در این میان وظایف دستگاه‌های انتظامی همچون پلیس امنیت اقتصادی بیش از پیش پررنگ شده و می‌بایستی در عرصه‌های اقتصادی نقش موثرتری ایفا نمایند. در همین راستا، در این پژوهش از داده‌های نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بیکاری، شاخص قیمت سهام، مالیات پرداختی واحدهای تولیدی و تولید ناخالص داخلی به صورت سالیانه و طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ و همچنین از روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که متغیرهای شاخص قیمت سهام، نرخ ارز و نرخ تورم رابطه مثبت و معنادار و همچنین متغیرهای مالیات پرداختی واحدهای تولیدی و نرخ بیکاری تاثیر منفی و معناداری بر تولید در ایران دارند. لذا با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون‌های اقتصادسنجی و همچنین بررسی‌های میدانی در پلیس امنیت اقتصادی با توجه به نتایج کسب شده توصیه می‌گردد که به صورت نوآورانه و با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی با ایجاد درگاه‌های ارتباطی میان شرکت‌ها به منظور هم‌افزایی و ایجاد بازارهای مشترک و همچنین در راهکاری دیگر هم‌افزایی دوجانبه با شرکت‌های تولیدی گام بردارد. علاوه بر این، نهاد مذکور می‌تواند در مسائل مالیات (برخورد با هرگونه فرار مالیاتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم) و کنترل نرخ ارز (تعریف ماموریت‌های جدید در این واحد پلیس متناسب با شرایط روز کشور) در جهت برداشتن موانع تولید در کشور گام بردارد.

کلید واژه: تولید ناخالص داخلی، پلیس امنیت اقتصادی، شاخص قیمت سهام، بیکاری، نرخ ارز، مالیات، قاچاق کالا و ارز

مقدمه

افزایش بحران‌های اقتصادی و در نهایت کاهش تولید در کشورها سرانجام به افزایش بیکاری در سیستم‌های اقتصادی ختم می‌شود. لازم به ذکر است که بیکاری پدیده‌ای است مخرب که سبب پدیدار شدن بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی در جوامع می‌شود. حوزه تولید و اشتغال به قدری مهم و تاثیرگذار

می‌باشد که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان تمامی جوامع همواره به دنبال اجرای راهکارهای متنوع و دقیق برای افزایش اشتغال در حوزه تولید هستند. در حوزه اقتصاد کلان برای افزایش ظرفیت تولیدی اینگونه بیان می‌شود که برای تحریک سیستم تولیدی کشور، باید سیاست‌های پولی انبساطی را گسترش داد. همچنین موضوع اشتغال و کاهش نرخ‌بیکاری همواره در بین تمامی کشورهای جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیکاری پدیده‌ای است مخرب که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... را شامل می‌شود که کاهش نرخ آن همواره جز نگرانی‌ها و دغدغه‌های سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان تمامی جوامع بوده‌است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷). در این بین دستگاه‌های اجرایی مختلف در زمینه‌های اقتصادی و انتظامی تاثیرات مختلفی بر سیستم اقتصادی و تولید می‌توانند داشته باشند. در کنار سایر دستگاه‌های فعال، پلیس امنیت اقتصادی فراجا یکی از مهمترین نهادهایی می‌باشد که در حوزه اقتصاد و تولید و همچنین راهکارهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مانع زدایی از تولید در حال فعالیت می‌باشد. در اکثر کشورها از جمله ایران پژوهش‌های متعددی در حوزه بیکاری و تولید و نقش سایر دستگاه‌های اجرایی در این زمینه صورت گرفته تا بیکاری از ابعاد گوناگونی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. بررسی و پژوهش در حوزه ابعاد ناشناخته و پنهان تولید و بیکاری و متغیرهای موثر بر این دو و همچنین تاثیر بالای حوزه تولید بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی ضرورتی انکار ناپذیر در تمامی جوامع به شمار می‌رود چرا که پژوهشگران با شناساندن صحیح ساختار تولید و ارائه راهکارهای کاهش آن می‌توانند نقش بسزایی در افزایش تولید و اشتغال ایفا کنند. به طور معمول مسئله اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در کنار مباحثی مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم و غیره بیان می‌شود که نشان دهنده تاثیر متغیرهای متعددی بر تولید و اشتغال می‌باشد. با افزایش بیکاری و در پی آن کاهش تولید و در نهایت کاهش درآمد ملی، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نیز بالتبع افزایش می‌یابد. برای شناخت درست تولید و راهکارهای افزایش آن باید به بررسی عواملی بپردازیم که تغییردر آنها سبب تغییر در تولید می‌شود. عوامل متعددی بر تولید اثرگذارند. تولید را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد. از متغیرهای نرخ تورم، نرخ ارز، قاچاق کالا و ارز، نقدینگی در گردش شرکت‌های تولیدی، میزان اعتبارات داده‌شده به شرکت‌های تولیدی توسط بانک‌ها و غیره می‌توان به عنوان متغیرهای کلیدی و مهم در مسئله تولید یاد کرد. برای توسعه و بهبود سیستم تولیدی و اشتغال یک کشور باید تحقیقات گسترده‌ای در حوزه ساختار تولید و

مسائل و مشکلات آن به تفکیک و به صورت دقیق صورت گیرد. با توجه به ضرورت‌های موجود و کاستی‌های این حوزه در این پژوهش سعی شده به صورت کاربردی و جامع به وضعیت تولید در استان سمنان و جایگاه آن در اقتصاد کشور پرداخته شود. همچنین با توجه به وظیفه خطیر و مهم پلیس امنیت اقتصادی، سعی شده تا ابتدا به تشریح وظایف پلیس امنیت اقتصادی پرداخته شود و ثانياً ارتباط میان تولید و اشتغال و همچنین وظایف این واحد و تعریف راهکارها و پیشنهادات جدید به این واحد در حوزه تولید و کاهش بیکاری به اتمام برسد.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

افزایش بحران‌های اقتصادی و درنهایت کاهش تولید در کشورها سرانجام به افزایش بیکاری در سیستم‌های اقتصادی ختم می‌شود. لازم به ذکر است که بیکاری پدیده‌ای است مخرب که سبب پدیدار شدن بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی در جوامع می‌شود. حوزه تولید و اشتغال به قدری مهم و تاثیرگذار می‌باشد که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان تمامی جوامع همواره به دنبال اجرای راهکارهای متنوع و دقیق برای افزایش اشتغال در حوزه تولید هستند. در حوزه اقتصاد کلان برای افزایش ظرفیت تولیدی اینگونه بیان می‌شود که برای تحریک سیستم تولیدی کشور باید سیاست‌های پولی انبساطی را گسترش داد. همچنین موضوع اشتغال و کاهش نرخ بیکاری همواره در بین تمامی کشورهای جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیکاری پدیده‌ای است مخرب که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... را شامل می‌شود که کاهش نرخ آن همواره جز نگرانی‌ها و دغدغه‌های سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان تمامی جوامع بوده است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷). در اقتصاد کلان، مسئله اشتغال و تولید همواره جز مهمترین و ضروری‌ترین مباحثی ذکر شده که مورد توجه سیاستمداران و تصمیم‌گیران کشورها قرار گرفته‌اند. همچنین کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال (افزایش تولید) از جمله با اولویت‌ترین و مهمترین دغدغه‌هایی هستند که سبب شده‌اند تا درصد بالایی از بودجه عمومی کشورها مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه به رفع مشکلات در حوزه تولید و افزایش اشتغال اختصاص یابد. در همین راستا تولید یا فرآوری، از اصطلاحات علم اقتصاد، به معنی تهیه کالا و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود

است. فعالیت تولیدی سلسله اقداماتی است که برای تبدیل منابع به کالاهای مورد نیاز صورت می‌گیرد.

تولید را ایجاد فایده و مطلوبیت برای ارضای خواسته‌های افراد می‌دانند؛ در عین حال تولید، رشته‌ای از فعالیت‌های انسانی است که عوامل تولید توسط آن‌ها با یکدیگر ترکیب شده و کالاها و خدمات مورد نیاز افراد را فراهم می‌کند. تولید کردن یعنی ایجاد فواید اقتصادی جدید چه برای تولیدکننده و چه برای مصرف‌کننده. مفهوم تولید، علاوه بر جریان تغییر کالاها، شامل کلیه خدماتی است که در بهبود فایده کالا مؤثر بوده و به‌هنگام نیاز در دسترس افراد قرار می‌گیرند. تولیدکنندگان اقتصادی برای کسب سود بیشتر عوامل تولیدی را به‌گونه‌ای مناسب با یکدیگر ترکیب می‌کنند که بتوانند بیشترین بازدهی را داشته باشند. از آنجایی که به این حوزه کمتر توجه و مورد غفلت واقع شده، سعی شده است تا در این پژوهش با شناسایی متغیرهای درست و دقیق و با بهره‌گیری از آزمون‌های تشخیصی نرم افزار Eviews و مدل‌های مختلف آن و همچنین تحقیقات میدانی و جمع‌آوری اطلاعات دقیق از شرکت‌های تولیدی و مشکلات احصا شده آنان به نتیجه‌ای کاربردی و درست در موضوع ارتباط میان تولید و اشتغال دست یافته تا مورد استفاده و مطالعه استفاده‌کنندگان این پژوهش از جمله پلیس امنیت اقتصادی قرار بگیرد.

به دلیل نقش عمده دستگاه‌های مسئول در زمینه امنیت اقتصادی و همچنین نقش بالای امنیت اقتصادی فراجا در حوزه تولید و برطرف کردن موانع تولید از جمله همکاری با سایر دستگاه‌ها به منظور کنترل نرخ ارز و برخورد با دلالتان ارزی و حتی تدوین قوانین جدید با همکاری جامعه دانشگاهی و متخصصان این حوزه سعی شده در این پژوهش به موارد مهم در حوزه تولید و ارتباط آن با وظایف پلیس امنیت اقتصادی پرداخته شود. شرح وظایف پلیس امنیت اقتصادی عبارت است از: (۱) برخورد با رشاء و ارتشاء (۲) برخورد و شناسایی تسهیلات غیرمجاز بانکی (۳) مبارزه با زمین خواری و پولشویی (۴) مبارزه و برخورد با اختلاس و احتکار (۵) مبارزه و برخورد با اخلاف در نظام اقتصادی کشور مخصوصاً نظام تولیدی (۶) مبارزه و برخورد با قاچاق کالا و ارز. در همین راستا و با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته و همچنین نتایج کسب شده در این پژوهش می‌توان گفت پلیس امنیت اقتصادی یکی از مهمترین ارگان‌هایی است که در زمینه‌های مختلف همچون صورت‌های مالی شرکت‌ها، ارائه گزارش‌های تخصصی در جهت بهبود نقش بازار سرمایه در رونق تولید

و جلوگیری از تخلفات بوری با همکاری سازمان بورس، جلوگیری از قاچاق کالا و ارز و همچنین برخورد قاطعانه با دستگاه‌های متخلف در زمینه بهبود تولید نقش موثری در این حوزه ایفاکند.

در ادامه به ذکر پژوهش‌های مهم در حوزه مورد مطالعه پرداخته شده است:

ختائی و غربالی مقدم (۱۳۸۱) در مقاله خود به بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۷۹ و با بهره‌گیری از روش ARDL پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که با توجه به داده‌های موجود و مطالعات صورت گرفته میان نرخ ارز حقیقی و تولیدات کشور طی دوره زمانی مورد مطالعه رابطه منفی و ضعیفی برقرار است.

رهبر و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و تولید در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۸۴ پرداختند و با بهره‌گیری از روش همبستگی پیرسون به این نتیجه دست یافتند که متغیر امنیت سرمایه‌گذاری ارتباط معناداری با تولید و رشد اقتصادی در ایران دارد.

قطمیری و جهرمی (۱۳۸۶) طی پژوهشی به مقایسه تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید در کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب با نظام‌های ارزی مختلف پرداختند. آنها در این پژوهش از داده‌های پانل طی دوره زمانی ۱۹۸۱-۲۰۰۴ و آزمونهای ایم، پسران و شین استفاده کردند. نتایج گویای آن بود که کاهش ارزش پول در تولید در کشورهای دارای نظام نرخ ارز ثابت مثبت ولی در کشورهای دارای نظام نرخ ارز شناور رابطه معناداری میان نرخ ارز و تولید وجود ندارد.

حیدری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "رشد حجم پول و تأثیر آن بر اشتغال و تولید در اقتصاد ایران" به بررسی متغیر حجم پول (نقدینگی) بر اشتغال و تولید در ایران پرداخته‌است. در این پژوهش از داده‌های اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۸۲ و همچنین از مدل اقتصاد سنجی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که رشد پیش بینی شده حجم پول با یک وقفه زمانی بر تولید و اشتغال تأثیر گذارمی‌باشد.

کميجانی و نقدی (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای به بررسی ارتباط متقابل بین تولید و تورم در اقتصاد ایران با تاکید بر تورم بخشی پرداختند. در این پژوهش از داده‌های سری زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۴ و الگوهای خودرگرسیون برداری (VAR) و الگوی تصحیح خطای برداری (VEC) استفاده شد و نتایج گویای آن بود که رابطه تولید و تورم یک رابطه بلندمدت می‌باشد یعنی با افزایش تولید در بلندمدت تورم کاهش می‌یابد که این قضیه اولاً سبب افزایش درآمدهای غیرنفتی ایران می‌شود و ثانیاً می‌توان از آن برای کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال نیز بهره برد.

اکبریان و حیدری پور (۱۳۸۸)، با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۸۶ و با بهره‌گیری از مدل اقتصاد سنجی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به این نتیجه رسیدند که بخش مالی یک جامعه می‌تواند با کاهش هزینه‌های مبادله‌ای خود در سیستم اقتصادی باعث افزایش سطح پس انداز، انباشت سرمایه، افزایش تولید و همچنین افزایش رشد اقتصادی و در نهایت کاهش نرخ بیکاری در یک جامعه بشود.

ترحمی (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی اهمیت خدمات مالی در ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های آخرین جدول داده ستانده برای سال ۱۳۸۸ و با بهره‌گیری از روابط کشش اشتغال و تولید کل داده-ستانده، کشش مستقیم اشتغال و تولید داده-ستانده و شاخص پیوند پسین ارزش افزوده و پیشین تقاضای نهایی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهند اگرچه پیوند پیشین بخش خدمات مالی با دیگر بخش‌ها چندان قوی نیست، حذف آن موجب از دست رفتن ۲۱۵/۸۱۴ نفر (برمبنای الگوی لئون تیف) و ۶۸۷/۰۳۸ نفر (برمبنای الگوی گش) فرصت شغلی در اقتصاد می‌شود.

غلامی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مولفه‌های امنیت اقتصادی و تشریح آن پرداختند. نتایج بدست آمده از انجام مطالعات حاکی از آن بود که امنیت اقتصادی از مولفه‌های مختلفی برخوردار است که ترکیبی از چندین شاخص متفاوت است و این شاخص‌ها در مطالعات مختلف لزوماً یکسان گزارش نشده‌اند. همچنین متغیرهایی مانند: قاچاق کالا و ارز، نرخ ارز، تورم، رشد اقتصادی، حجم نقدینگی در گردش (پول کثیف و تمیز) و احتکار متغیرهای تاثیرگذار در حوزه امنیت اقتصادی در یک جامعه ذکر شده‌اند.

اکبری و معمارزاده (۱۳۹۸) در مطالعه خود به پژوهش درباره نقش پلیس در تامین امنیت اقتصادی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که در سال‌های اخیر امنیت اقتصادی به معنای امنیت در تولید و اقتصاد افزایش یافته که این امر در بالارفتن توان تولیدی و رونق تولید نقش مهمی ایفا می‌کند.

ریوف (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اقتصادی در بین کارکنان بانک صادرات استان قم پرداخته است. پژوهشگر در راستای دستیابی به هدف پژوهش، دو فرضیه طراحی نموده است. روش این تحقیق از نوع پیمایشی - کاربردی بوده و نمونه پژوهش حاضر از کارمندان ۸۲ شعبه بانک صادرات استان قم به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای از هر شعبه ۳ نفر انتخاب شده‌اند. از ابزار پرسشنامه برای گردآوری نظرات ۲۸ نفر از کارکنان بانک صادرات استان قم استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل آزمون پیرسون حاکی از عدم وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اقتصادی عمومی و وجود رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اقتصادی فردی در بین کارکنان بانک صادرات استان قم بوده است.

عزتی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و اشتغال بخش صنعتی در اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۵ پرداختند. آنها در این پژوهش با بهره‌گیری از روش سیستم معادلات همزمان SLS به این نتیجه رسیدند که وضع تحریم‌های ظالمانه، درکنار ایجاد فرصت برای شکوفایی برخی صنایع در عین حال باعث کاهش سطح اشتغال و کاهش تولیدات بخش صنعت شده است.

در پژوهشی مالگیری و سیاح (۱۳۹۹) به بررسی قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر تولید با استفاده از داده‌های مالیات و تولید ناخالص داخلی و متغیرهای کمکی دیگر با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بود که که واردات بی رویه و قاچاق یکی از بزرگترین سدهای راه تولیدکنندگان داخلی می‌باشد. واردات بی رویه مخصوصاً در کالاهایی که مشابه داخلی دارد موجب ناامیدی تولیدکننده و بیکاری کارگر ایرانی می‌شود. ورود کالا از مبادی غیر رسمی یا پدیده قاچاق نیز رابطه مستقیمی با تولید ملی دارد. باید با ریشه‌یابی و رهگیری کالاهای قاچاق، مبادی ورودی و عوامل آن از بین برود. چنانچه واردات بی رویه و قاچاق ریشه کن نشود جهش تولید نیز ممکن نخواهد بود.

اوکان (۲۰۱۵) طی پژوهشی به بررسی میان تورم و تولید ناخالص داخلی پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که همبستگی منفی میان تورم و تولید ناخالص داخلی در بلندمدت وجود دارد. به عبارتی می‌توان گفت که در بلندمدت افزایش تورم سبب کاهش تولیدات کشورها می‌شود. البته لازم به ذکر است که تأثیرات تورم با توجه به شرایط متفاوت اقتصادی کشورها می‌تواند تأثیرات متفاوتی نیز داشته باشد.

فیشر^۱ (۲۰۱۲) طی مقاله‌ای به بررسی ارتباط میان تورم و تولید پرداخت. در این پژوهش از داده‌های تحقیقات پرسنامه‌ای مرکز مطالعات استفاده شده بود. نتایج گویای این بود که میان تورم و تولید ارتباط معناداری وجود دارد که بسته به شرایط اقتصادی کشورها می‌تواند تأثیرات متفاوتی داشته باشد.

تائو و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی و تجزیه و تحلیل دیدگاه اقتصادی به منظور حفاظت از امنیت و حفظ حریم خصوصی داده‌ها و دیتای بزرگ اقتصادی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که حملات سایبری و مشکلات به وجود آمده در داده‌های اقتصادی مشکلات عدیده‌ای برای سیستم‌های اقتصادی و کسب و کارها به وجود می‌آورد که این قضیه نشان دهنده تأثیرگذاری بالای امنیت اقتصادی بر کسب و کارها می‌باشد.

سان و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی عوامل و استراتژی‌های مختلفی مبنی بر امنیت اقتصادی و توسعه اقتصادی در یکی از استان‌های کشور چین پرداختند. به اعتقاد آنان تخریب اکولوژی و عدم توسعه اقتصادی باعث کاهش تمرکز بر توسعه اقتصادی می‌شود.

۳. روش شناسی

باتوجه به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش که $i^{(0)}$ و $i^{(1)}$ می‌باشند، روش مورد استفاده در این پژوهش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی (ARDL) می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش بررسی دقیق‌تر ماهیت علیّ میان تولید و متغیرهای موثر بر آن و

۱- Phisher

۲- Tao & el. c.

۳- Sun & el. c.

همچنین سنجش پایایی و روایی داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و داده‌های موجود می‌باشد. از آنجا که بررسی این ارتباط به صورت صحیح و واقع بینانه، نیازمند استفاده از اطلاعات و داده‌های دقیق و جامعی می‌باشد؛ برای بررسی کمی و نوع علیت متغیرهای موثر بر تولید از متغیرهای، شاخص قیمت سهام، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ ارز و مالیات استفاده گردیده است. نمونه آماری این پژوهش، اقتصاد ایران به صورت سالیانه طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ می‌باشد و در قسمت بررسی کمی داده‌ها به صورت زیر می‌باشد:

$$GDP_t = \alpha + \beta_1 SM_t + \beta_2 ER_t + \beta_3 INF_t + \beta_5 Unem_t + \beta_6 Tax_t + \beta_7 GDP_t + e_t$$

متغیرهای مدل فوق به شرح زیر می‌باشند:

SM: معرف شاخص قیمت سهام است که بیان کننده توضیحی مدل می‌باشد.

ER: معرف نرخ ارز است در مدل فوق به عنوان متغیر توضیحی می‌باشد.

INF: بیان کننده نرخ تورم (تغییر سالانه شاخص قیمت مصرف کننده) و در مدل فوق به عنوان متغیر توضیحی می‌باشد.

GDP: بیان کننده تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه ۱۳۹۵ و در مدل فوق به عنوان وابسته می‌باشد.

UNEM: معرف نرخ بیکاری که بیان کننده متغیر توضیحی مدل است.

TAX: بیانگر متغیر توضیحی متغیر مالیات می‌باشد.

نرخ ارز: با افزایش نرخ ارز، هزینه‌های تولید شرکت‌های تولیدی افزایش می‌یابد. در این بین شرکت‌هایی که مواد اولیه خود را از خارج از کشور دریافت و تامین می‌کنند دچار مشکلات بیشتری در زمینه تامین هزینه‌های محصولات تولیدی خود می‌شوند و ممکن است تعدیل نیروی کار را در دستور کار خود قرار دهند. افزایش نرخ ارز و در پی آن افزایش هزینه‌های تولید، می‌تواند اشتغال را تحت تاثیر قرار داده و در نهایت سبب افزایش بیکاری در جامعه بشود (امامی و ملکی، ۱۳۹۳). همچنین از بعدی دیگر افزایش نرخ ارز می‌تواند فرصت بسیار مهمی برای افزایش تولید و در نهایت افزایش صادرات محصولات واحدهای تولیدی باشد. البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که با کاهش نرخ ارز،

شرکت‌های تولیدی می‌توانند خطوط تولیدی جدیدی را راه اندازی کرده و تولیدات خود را افزایش دهند و در ادامه، با استخدام نیروی کار جدید و در پی آن افزایش تولید، بیکاری را کاهش دهند (جلائی و همکاران، ۱۳۹۵).

نرخ تورم: با افزایش تورم در جامعه، شرکت‌های تولیدی نقدینگی بیشتری برای جذب نیروی کار جدید در اختیار دارند. در این بین کارفرما مجبور به پرداختی بالاتر به نیروی کار جدید (که تعداد کمی هستند)، می‌باشد. با جذب نیروی کار جدید، بیکاری کاهش می‌یابد. البته این افزایش پرداختی به کارگران اثر خود را در اعمال قیمت‌های جدید برای مصرف‌کننده نشان می‌دهد که همین افزایش قیمت خود عامل ایجاد تورم می‌باشد (اخباری و جوزی، ۱۳۹۶).

تولید ناخالص داخلی: اگر تولیدات ناخالص داخلی افزایش یابد، مطلوبیت افزایش یافته و این امر می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی و در نهایت کاهش بیکاری و افزایش تولید شود. با افزایش رشد اقتصادی تقاضای کل افزایش یافته و با توجه به تقاضای مازاد شکل گرفته، بنگاه‌های تولیدی برای جبران مازاد تقاضا به سمت تولیدات بیشتر و در نهایت استخدام نیروی کار جدید پیش می‌روند که این روند باعث افزایش اشتغال (کاهش بیکاری) می‌شود (صلاح منش و همکاران، ۱۳۹۷).

شاخص قیمت سهام: شاخص قیمت سهام یا همان شاخص کل با نماد TEDPIX از فروردین ۱۳۷۷ در بورس تهران محاسبه و منتشر شده است. تغییرات این شاخص نشانگر بازده کل بورس است و از تغییرات قیمت و بازده نقدی پرداختی، متأثر می‌گردد. این شاخص، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را در بر می‌گیرد. شاخص قیمت سهام و بازده نقدی علاوه بر موارد تعدیل شاخص قیمت در صورت پرداخت سود نقدی نیز تعدیل می‌شود (تارنمای سازمان بورس و اوراق بهادار تهران).^۱

نرخ بیکاری: نرخ بیکاری برابر است با نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال ضرب در ۱۰۰، نرخ بیکاری معمولاً به صورت درصدی بیان می‌شود. در فرمول محاسبه نرخ بیکاری جمعیت فعال به افرادی اطلاق می‌شود که علاوه بر تمایل به عرضه نیروی کار خود به بازار و توانایی انجام این کار، به دو دسته بیکار و شاغل تقسیم می‌شوند. افراد شاغل

افرادی هستند که حداقل یک ساعت در هفته آمارگیری کار کرده‌اند. افراد بیکار نیز قسمتی از جمعیت فعال هستند که با وجود داشتن آمادگی و جستجو برای انجام کار در هفته آمارگیری فاقد کار می‌باشند (مرکز آمار ایران).

مالیات: وضع مالیات بر درآمد در واقع یک اهرم کنترلی مناسب برای جهت‌دهی رفتار مصرف است. با کسر میزانی از حقوق مردم در واقع بخشی از تقاضا از سیستم اقتصادی جدا می‌شود. دولت در تعیین این میزان باید دقت کافی داشته باشد. وضع مالیات در محدوده‌ای که حساسیت تقاضا نسبت به آن زیاد باشد موجب کاهش شدید تقاضا شده که پیامد آن کاهش تولید و افزایش بیکاری خواهد بود. همچنین مالیات بر تولیدکنندگان نیز می‌تواند نتیجه‌ای مشابه داشته باشد. افزایش مالیات در بخش تولید، هزینه تولیدات را بالا برده و ممکن است موجب کاهش تولید و پیرو آن سطح اشتغال در جامعه شود. متغیر مالیات از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است. در ادامه جدول آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه ذکر شده است.

جدول ۱. آماره توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	مشاهدات	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
UNEM	۱۱	۱۱.۷۲	۱۳.۴۵	۱۰.۴۵	۰.۹۴۵۴
SM	۱۱	۶۸۲۷۹.۸۰	۳۰۸۸۴۴.۳	۱۰۷۰۸.۴۵	۸۴۱۶۹.۶۱
ER	۱۱	۲۶۵۲۱.۸۸	۴۲۰۰	۹۹۲۰.۶۲	۱۲۴۰۷.۲۸
INF	۱۱	۰.۰۳۵	۰.۰۹۷	۰.۰۱۷	۰.۰۲۶
TAX	۱۱	۷۰۹.۶۵	۱۶۵۴.۱۸	۲۸۴.۰۷	۴۶۰.۳۹
GDP	۱۱	۲۹۴۸۷۵۹	۶۶۸۳۸۱۱	۱۰۸۹۵۷۵	۱۷۰۰۵۸۸

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۱- الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)

در این رویکرد ابتدا تعداد وقفه‌های بهینه متغیرها در مدل $ARDL(p, q)$ زیر تعیین

می‌شود:

$$y_t = \alpha + \sum_{j=1}^p \phi_j y_{t-j} + \sum_{j=0}^q \theta_j' x_{t-j} + \varepsilon_t, \quad (1)$$

که x_t یک بردار $1 \times k$ از رگرسورهای چندگانه و θ_j یک بردار $1 \times k$ از ضرایب مربوطه است. برای این منظور، می‌توان از معیارهای اطلاعاتی^۱ استاندارد استفاده کرد. همچنین، می‌توان بنا بر تشخیص، عرض از مبدأ را از مدل فوق حذف کرد یا یک روند زمانی یا متغیرهای مجازی را به آن افزود. در گام بعدی، مدل رگرسیون (۱) در یک فرم تصحیح خطا به صورت زیر بازنویسی می‌شود:

$$\Delta y_t = \alpha + \rho y_{t-1} + \theta' x_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j \Delta y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} \phi_j' \Delta x_{t-j} + \varepsilon_t, \quad (2)$$

که $\rho = \sum_{j=1}^p \phi_j - 1$ ، $\gamma_j = -\sum_{i=j+1}^p \phi_i$ برای $j = 1, \dots, p-1$ ، $\theta_j = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i$ ، $\phi_j = -\sum_{i=j+1}^q \theta_i$ برای $j = 1, \dots, q-1$. سپس فرضیه صفر عدم وجود هم‌انباشتگی میان متغیرها ($\theta = 0$ و $\rho = 0$) آزمون می‌شود. برای بررسی این فرضیه، آزمون والد به کار گرفته می‌شود. در این آزمون، مقدار محاسبه شده آماره F با مقادیر بحرانی باند که توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱) گزارش شده‌اند، مقایسه می‌شود. چنانچه مقدار آماره آزمون بزرگتر از باند (مقدار بحرانی) بالا باشد، یک ارتباط هم‌انباشتگی یا بلندمدت میان متغیرها به فرم زیر وجود دارد:

$$y_t = \beta + \beta' x_t + u_t. \quad (3)$$

خطای استاندارد هر یک از ضرایب برآورد شده را نیز می‌توان با استفاده از روش دلتا^۲ محاسبه کرد. علاوه بر این، می‌توان مدل تصحیح خطای (۲) را به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$\Delta y_t = \rho ECT_{t-1} + \sum_{j=1}^{p-1} \gamma_j \Delta y_{t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} \phi_j' \Delta x_{t-j} + \varepsilon_t, \quad (4)$$

۱. Information Criterion

۲. Delta

به طوری که ECT_t بیانگر جزء پسماند رابطه بلندمدت (۳) است که به عنوان عبارت تصحیح خطا^۱ شناخته می شود. ضریب وقفه اول این عبارت (ρ) نیز سرعت تعدیل^۲ نامیده می شود. این ضریب بیان می کند که در هر دوره زمانی چه سهمی از انحراف (مثبت یا منفی) متغیر وابسته از مسیر تعادلی بلندمدت تصحیح می شود.

۴. یافته های پژوهش

در منابع اقتصادسنجی اینگونه بیان می شود که برای بررسی داده های مورد استفاده در هر پژوهشی ابتدا باید مانایی یا پایداری آنها مورد بررسی قرار بگیرد و از وضعیت آنها مطمئن شد. یکی از ایرادات مهمی که در آزمون های ریشه واحد معمولی مانند دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس و پرون (PP) وجود دارد این است که این آزمون ها احتمال وجود شکست ساختاری را در مدل در نظر نمی گیرند. پرون (۱۹۸۹) بیان می کند که زمانی که شکست ساختاری در سری زمانی رخ می دهد، توان آزمون ریشه واحد معمولی به طرز قابل ملاحظه ای کاهش می یابد. در واقع، وقوع شکست باعث می شود تا آزمون های مانند دیکی فولر تعمیم یافته (و سایر آزمون های که شکست را در مدل لحاظ نمی کنند) در رد فرضیه صفر، زمانی که فرضیه صفر نادرست است از توان لازم برخوردار نباشند و سری های زمانی مانایی که دارای شکست ساختاری بوده اند را به اشتباه نامانای نشان دهند. برای متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ ارز، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه (رشد اقتصادی) از آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون و برای متغیر شاخص قیمت سهام همانطور که در فصل سوم بیان شده، به دلیل وجود شکست ساختاری از آزمون ریشه واحد زیوت اندریوز استفاده شده است. نتایج بدست آمده از انجام آزمونهای ذکر شده در جدول (۲) ارائه شده است.

^۱. Error Correction Term (ECT)

^۲. Speed of adjustment

جدول ۲. آزمون ریشه واحد

در سطح			
نام متغیر	شکست در عرض از مبدا و روند زمانی		وضعیت
	آماره	احتمال	
Unem	-۱.۷۵۰۹۵۴	۰.۳۷۹۹	نامانا
Sm	-۳.۴۰۱۸۹۷	۰.۰۴۰۹	مانا
Tax	-۱.۳۷۳۰۴۴	۰.۷۹۵۱	نامانا
Er	-۴.۴۷۰۸۴۷	۰.۰۲۷۹	مانا
Inf	-۲.۳۰۲۸۶۹	۰.۳۹۷۳	نامانا
Gdp	-۱.۱۴۱۵۵۷	۰.۸۵۶۶	نامانا
تفاضل مرتبه اول			
نام متغیر	شکست در عرض از مبدا و روند زمانی		وضعیت
	آماره	احتمال	
Tax	-۷.۶۸۹۹۳۹	۰.۰۰۱۳	مانا
Inf	-۷.۲۲۰۰۷۱	۰.۰۰۳۲	مانا
Unem	-۸.۹۸۵۴۲۱	۰.۰۰۲۱	مانا
Gdp	-۵.۸۳۴۵۶۷	۰.۰۱۰۰	مانا

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آنکه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش ترکیبی از $I(0)$ و $I(1)$ هستند؛ از مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) برای بررسی هم انباشتگی میان متغیرها استفاده شده است. در این مرحله مدلهای پیشنهادی ذکر شده در پژوهش به روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) تخمین زده می‌شوند. برای مدل ذکر شده معیار شوآرتز به نرخ بیکاری یک وقفه و برای قیمت سهام و نرخ تورم دو وقفه اختصاص می‌دهد. با مشخص شدن الگو، نتایج به روش (ARDL) برآورد می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل اول (ARDL(۰, ۰, ۰, ۲)

نام متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره آزمون(t)	Prob
GDP (-۱)	-۰.۳۱۸۱۷۰	۶/۸۹e-۱۳	-۴/۶۲e+۱۱	۰.۰۰۰۰
GDP (-۲)	-۰.۲۸۱۵۹۶	۷/۶۰e-۱۴	-۳/۷۰e+۱۲	۰.۰۰۰۰
ER	۵۳.۹۸۸۲۲	۶/۲۶e-۱۱	۸/۶۳e+۱۱	۰.۰۰۰۰
INF	۶۲۶۰۷۷۷	۴/۷۸e-۰۶	۱/۳۱e+۱۲	۰.۰۰۰۰
SM	۸.۴۳۲۲۳۶	۸/۸۵e-۱۲	۹/۵۲e+۱۱	۰.۰۰۰۰
TAX	۲۱۶۶.۷۴۷	۱/۳۳e-۰۹	-۷/۷۳e+۱۰	۰.۰۰۰۰
UNEM	-۱۹۲۰۲.۹۵	۲/۴۸e-۰۷	-۷/۷۳e+۱۰	۰.۰۰۰۰
C	۸۵۸۱۶۳.۲	۲/۲۷e-۰۶	۳/۷۷e+۱۱	۰.۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه و در جدول (۴) آماره‌های تشخیصی مبنی بر وجود یا عدم وجود خودهمبستگی، ضریب تعیین و تشخیص واریانس ناهمسانی حاصل از برآورد مدل ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های تشخیصی

مدل مورد آزمون		
فروض کلاسیک	آماره آزمون(t)	Prob
آزمون خود همبستگی (LM)	۱.۰۷۳۳۶۹	۰.۵۸۴۶۸۴
آزمون همسانی واریانس (ARCH)	۰/۱۰۹۳۳۰	۰/۷۴۱۸
ضریب تعیین (R ^۲)	٪ ۹۹	

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌گردد برای بررسی خود همبستگی از آزمون (LM) استفاده شده است که فرض صفر این آزمون عدم خودهمبستگی می‌باشد. احتمال آماره آزمون (LM) در مدل ذکر شده برابر (۰.۵۸۴۶۸۴) می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر ما مبنی بر عدم خودهمبستگی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همچنین برای بررسی همسانی واریانس هر دو مدل از آزمون (ARCH) استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست‌آمده، فرض صفر مبنی بر عدم ناهمسانی واریانس مورد پذیرش قرار گرفته است. در نهایت ضریب تعیین بیان شده است. نتایج بدست‌آمده نشان می‌دهند که متغیرهای ۹۹ درصد توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته یعنی تولید را توضیح دهند. در این مرحله، رابطه بلند مدت با فرض صفر عدم وجود هم‌انباشستگی میان متغیرها آزمون و نتایج هر دو مدل در جدول (۵) گزارش شده است:

جدول ۵. نتایج آزمون هم‌انباشستگی

مدل مورد آزمون			آماره آزمون "F"
مقادیر بحرانی		سطح معنی‌دار ی	
کرانه بالا	کرانه پائین		۲۹.۸۲۰۴۹
۳	۲.۰۸	۱۰٪	
۳.۳۸	۲.۳۹	۵٪	
۳.۷۳	۲.۷	۲٪/۵	
۴.۱۵	۳.۰۶	۱٪	

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار آماره برآورد شده، (۲۹.۸۲۰۴۹) می‌باشد با توجه به مقادیر بدست‌آمده فرض صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشستگی بین متغیرها رد شده و وجود رابطه بلندمدت، بین متغیرهای پژوهش پذیرفته می‌شود. نتایج برآورد بردار بلند مدت در مدل ذکر شده در جدول (۶) گزارش شده است.

جدول ۶: نتایج بردار بلندمدت

مدل مورد آزمون				
نام متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره آزمون (t)	Prob
SM	۵.۲۷۰۹۱۹	۳/۵۲e-۱۲	۱/۲۹e+۱۲	۰.۰۰۰۰

۰.۰۰۰۰	۸/۷۹e+۱۱	۲/۶۲e-۱۱	۳۳.۷۴۷۵۸	ER
۰.۰۰۰۰	۱/۵۰e+۱۲	۴/۴۹e-۰۶	۳.۹۱۳۵۵۹	INF
۰.۰۰۰۰	۱/۰۱e+۱۲	۱/۳۴e-۰۹	-۱۳۵.۴۰۴۱۵	TAX
۰.۰۰۰۰	-۷/۵۲e+۱۰	۱/۶۰e-۰۷	-۱۲۰۰۳.۶۰	UNEM

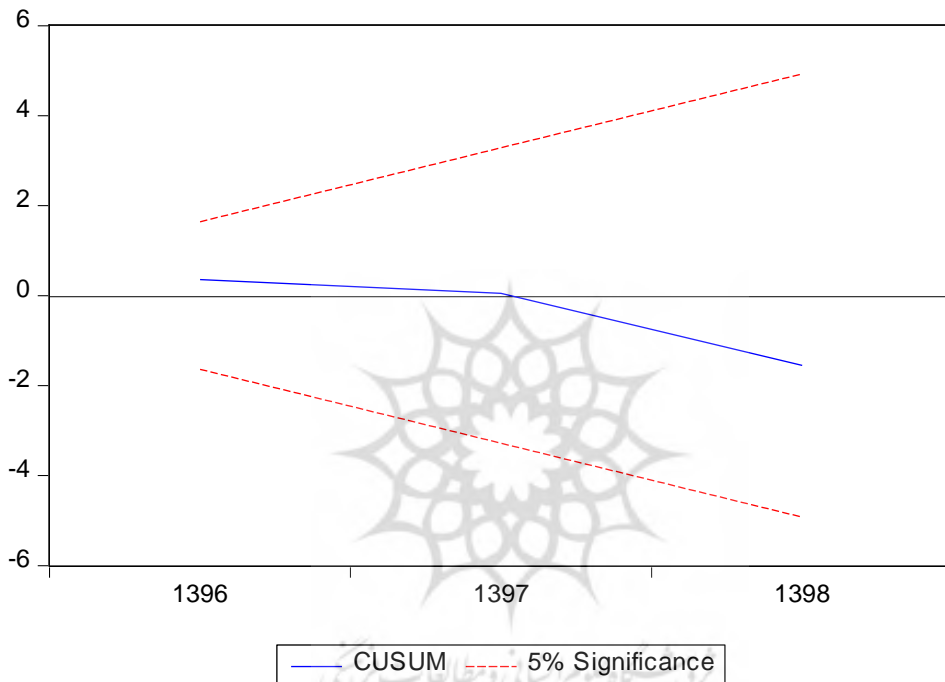
منبع: یافته‌های پژوهش

در مدل ذکرشده تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند، ضریب شاخص قیمت سهام برابر (۵.۲۷۰۹۱۹) و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد قیمت سهام در بلند مدت اثر مثبت و معناداری بر تولید در ایران دارد به عبارتی در صورتی که اگر یک واحد قیمت سهام افزایش یابد تولید ناخالص داخلی به اندازه (۵.۲۷۰۹۱۹) واحد افزایش می‌یابد. هنگامی که تقاضا برای خرید سهام شرکت‌های فعال تولیدی سودآور در بازار سرمایه به هر دلیلی افزایش می‌یابد، شاخص قیمت سهام یا همان شاخص کل نیز متأثر از آن افزایش یافته و باعث ورود نقدینگی جدید به شرکت‌های تولیدی می‌شود. همزمان با ورود نقدینگی‌های جدید به این شرکت‌ها، مدیران عامل و تصمیم‌سازان در این واحدهای تولیدی فعال، می‌توانند با هدایت درست این نقدینگی به سمت تولیدات جدید و ایجاد و احداث خطوط تولیدی جدید باعث کاهش بیکاری و جذب نیروی انسانی در شرکت شوند. به همین دلیل است که در پژوهش‌های صورت گرفته اینگونه بیان می‌شود که می‌توان گفت توسعه و نوآوری بازار سرمایه می‌تواند یک موتور محرکی برای ریشه‌کن کردن بیکاری و فقر در جامعه و در نهایت افزایش تولید در جوامع باشد. به عبارتی با افزایش تقاضا برای خرید سهام شرکت‌های تولیدی فعال در بازار، شاخص قیمت سهام افزایش یافته و در نهایت با افزایش استخدام نیروی کار جدید، تولید افزایش یافته و بیکاری کاهش می‌یابد. همچنین ضریب نرخ ارز و نرخ تورم نیز به ترتیب برابر (۳۳.۷۴۷۵۸) و (۳.۹۱۳۵۵۹) و از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهند که نرخ ارز و نرخ تورم در بلند مدت اثر منفی و معناداری بر تولید دارند. اگر یک واحد نرخ ارز افزایش یابد، تولید به اندازه (۳۳.۷۴۷۵۸) واحد افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که افزایش نرخ ارز باعث رونق گرفتن صادرات شرکت‌های تولیدی بزرگ می‌شود. این شرکت‌ها برای از دست ندادن بازارهای صادراتی و به منظور کسب سود بیشتر، با تزریق نقدینگی جدید حاصل از افزایش نرخ ارز در فروش محصولات خود دست به افزایش تولیدات می‌زنند. همین قضیه می‌تواند

باعث به کارگیری نیروی انسانی جدید در شرکت بشود و در نهایت روی نرخ بیکاری و تولید اثرگذار باشد. در خصوص اثر نرخ تورم نیز اگر یک واحد نرخ تورم افزایش یابد، تولید به اندازه (۳.۹۱۳۵۵۹) واحد افزایش می‌یابد. بدین صورت که با افزایش تورم و در پی آن افزایش نقدینگی شرکت‌های تولیدی، استخدام نیروی کار جدید افزایش یافته و بیکاری کاهش و در نهایت تولید افزایش می‌یابد. اما باگذشت بیشتر زمان و کمبود نیروی کار جدید، دستمزدها افزایش یافته و همین امر می‌تواند سبب افزایش دوباره قیمت محصولات تولیدی و در نتیجه ایجاد تورم جدید بشود. در این مرحله استخدام نیروی کار خارجی توسط شرکت‌های تولیدی داخلی می‌تواند بیکاری را بدون ایجاد تورم جدید کاهش دهد. همچنین ضریب متغیر مالیات برابر با (۱۳۵.۴۰۴۱۵-) و همچنین از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد در بلند مدت و طی سالیان مورد مطالعه اضافه شدن مالیات بر شرکت‌های تولیدی باعث تاثیر منفی و معناداری بر تولید در ایران می‌شود. در صورتی که مالیات شرکت‌های تولیدی یک واحد افزایش پیدا کند، تولید به اندازه (۱۳۵.۴۰۴۱۵-) واحدی کاهش می‌یابد. البته این شرایط ممکن است متفاوت باشد چرا که اثر تصمیمات اقتصادی می‌تواند این نتیجه را کاملا برعکس کند. با استناد به آمار منتشره از قیمت نفت و همچنین بانک مرکزی در سالهای مورد مطالعه قیمت هر بشکه نفت در ابتدا از بشکه‌ای ۳۰ دلار در سال ۱۳۸۰ به بشکه‌ای ۹۸ دلار نیز در سال ۱۳۹۸ رشد کرده بود. در کنار افزایش حدود سه برابری قیمت نفت خام، افزایش دو ونیم برابری قیمت محصولات پتروشیمی صادراتی نیز ایران را با رشد اقتصادی فزاینده‌ای در حوزه نفت و گاز طی سالیان مورد مطالعه روبرو کرد؛ همچنین صادرات محصولات پتروشیمی در سال ۱۳۸۰ از ۵ میلیون تن به ۳۲ میلیون تن در سال ۱۳۹۸ افزایش پیدا کرد. با توجه به صادرات کم غیر نفتی در سالهای مورد مطالعه نتایج حاکی از آن است که اکثر رشد اقتصادی ایران به سبب رشد قیمت نفت و میعانات گازی بوده است و این نقدینگی به سمت تولید هدایت نشده و چه بسا با درگیر شدن ایران به بیماری هلندی در این دوره متاسفانه نرخ بیکاری کاهشی نداشته و بعضا رشد اقتصادی سبب افزایش نرخ بیکاری و کاهش تولیدات در سایر بخش‌های اقتصادی به غیر از صنایع پتروشیمی و شیمیایی شده است. در این قسمت از آزمون ثبات ساختاری پسماند تجمعی به منظور بررسی ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره مورد مطالعه استفاده شده است. همچنین آزمون پسماند تجمعی برای یافتن تغییرات سیستماتیک در ضرایب رگرسیون و آزمون مجذور پسماند تجمعی زمانی که انحراف از پایداری ضرایب رگرسیون اتفاقی و

ناگهانی است مفید می‌باشند. اگر نمودار پسماند تجمعی، بین دو خط موازی مندرج در نمودار (فاصله اطمینان ۰.۹۵٪) قرار گرفت، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود. در غیر این صورت فرضیه وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود (تشکینی، ۱۳۸۴).

نمودار ۱: نمودار پسماند تجمعی داده‌ها برای مدل ذکر شده



منبع: یافته‌های پژوهش.

با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود. همانطور که در نمودار دیده می‌شود مسیر حرکت آماره‌های پسماند تجمعی بین دو خط بحرانی قرار دارد. به عبارتی می‌توان گفت ثبات مدل در این آزمون تایید می‌شود. برای بررسی ارتباط کوتاه‌مدت بین متغیرهای مورد مطالعه در این قسمت از مدل تصحیح خطا یا (ecm) استفاده شده‌است. نتایج این آزمون در جدول (۶) گزارش شده‌است.

جدول ۶: نتایج حاصل از برآورد مدل در کوتاه مدت

نام متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره آزمون (t)	Prob
D(GDP(-۱))	۰.۲۸۱۵۹۶	۰.۰۲۸۵۷۵	۹.۸۵۴۵۰۶	۰.۰۰۶۴۴
CointEq(-۱)	-۱.۵۹۹۷۶۶	۰.۰۴۱۸۵۱	-۳۸.۲۲۵۷۰	۰.۰۰۱۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود. در مدل ذکر شده ضریب برآورد شده (-) $ecm(۱)$ برابر (-۱.۵۹۹۷۶۶) است که به این معناست که در هر دوره به میزان (-۱.۵۹۹۷۶۶) از عدم تعادل کوتاه مدت، برای دستیابی به تعادل در بلندمدت تعدیل می‌گردد. همچنین برای بررسی جهت رابطه علی میان متغیرهای شاخص قیمت سهام و نرخ بیکاری از آزمون والد استفاده شده است. نتایج در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون والد

متغیرهای مدل	نتیجه آزمون والد		رابطه علیت
	آماره آزمون (F)	Prob	
SM, UNEM, ER, TAX, INF → GDP	۴/۱۹۹۰۰۸	۰/۰۰۰	علیت از متغیرهای مورد مطالعه به تولید تایید می‌شود.

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف از انجام این آزمون بررسی رابطه علی میان متغیرهای شاخص قیمت سهام و نرخ بیکاری می‌باشد. فرض صفر آزمون والد در مدل اول، صفر بودن همزمان ضرایب متغیر شاخص قیمت سهام می‌باشد. نتایج بدست آمده گویای این است که فرض صفر آزمون در سطح معنی داری ۱٪ رد می‌شود. بنابراین علیت از متغیرهای مورد مطالعه به متغیر اصلی و وابسته یعنی تولید ناخالص داخلی تایید می‌شود.

۵. نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی متغیرهای موثر بر تولید در ایران با استفاده از داده‌های سالیانه دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۸ است. بدین منظور از متغیرهای شاخص قیمت سهام، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، مالیات و تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نشان می‌دهند که در بلندمدت ارتباط منفی و معناداری میان بیکاری و تولید در ایران وجود دارد؛ چراکه با افزایش تولیدات، نقدینگی حاصل از فروش آن توسط شرکت‌های تولیدی افزایش یافته و با استخدام نیروی کار جدید، بیکاری کاهش می‌یابد. همچنین نتایج بدست آمده حاکی از آن است که نرخ تورم اثر منفی و معناداری بر تولید در بلندمدت دارد؛ چراکه با افزایش تورم و افزایش نقدینگی شرکت‌ها، تولید افزایش یافته و در بلندمدت نرخ بیکاری کاهش یافته و تولید افزایش می‌یابد. همچنین رابطه نرخ ارز با تولید نیز در نتایج بدست آمده مثبت و معنادار می‌باشد. با افزایش نرخ ارز شرکت‌های صادرات محور می‌توانند با تولید بیشتر و استخدام نیروی کار جدید صادرات خود را افزایش داده و سبب کاهش بیکاری شوند؛ اما شرکت‌هایی که از مواد اولیه وارداتی استفاده می‌کنند و مقاصد داخلی دارند ممکن است در این بین دچار مشکلاتی شوند و افزایش نرخ ارز به ضرر آنها تمام شده و حتی باعث تعدیل نیروی کار آنها بشود؛ چرا که افزایش سود حاصله از افزایش نرخ ارز معمولاً در محصولات صادراتی نسبت به مصارف داخلی بیشتر است و همین قضیه سبب شده تا شرکت‌ها به سمت افزایش صادرات گام بردارند. مالیات نیز در مدل تاثیر منفی و معناداری بر بیکاری داشته است؛ چرا که طی دوره مورد مطالعه اکثر رشد اقتصادی ایران ناشی از افزایش قیمت نفت و میعانات گازی بوده و معناداری بر تولید نداشته و حتی با درگیر شدن اقتصاد ایران به بیماری هلندی بیکاری طی دوره مورد مطالعه افزایش یافته است. همچنین مالیات نیز تاثیر منفی و معنادار بر تولید داشته است چرا که با افزایش مالیات نقدینگی شرکت‌های تولیدی کاهش یافته و تولید کم می‌شود. همچنین به عبارتی دیگر نتایج بدست آمده را می‌توان با تفاسیر زیر بیان نمود: با توجه به متغیرهای استفاده شده در مدل‌های استفاده شده در پژوهش و با بهره‌گیری از روش علیت گرنجری و انجام آزمونهای مرتبط با مدل، نتایج بردار بلندمدت، کوتاه‌مدت و ecm به شرح زیر می‌باشد. در بلندمدت نتایج نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معنادار میان متغیرهای تولید (متغیر وابسته) و

شاخص قیمت سهام (متغیر مستقل) بود. به عبارتی با افزایش شاخص قیمت سهام، تولید در بلندمدت افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت علیت از متغیر شاخص قیمت سهام به تولید در بلندمدت وجود دارد. همچنین در کوتاه‌مدت نتایج بدست‌آمده نشان دادند که شاخص قیمت سهام تاثیر خنثی ولی با گذشت یک دوره تاثیر شاخص قیمت سهام مثبت معنادار می‌شود. بنابراین به سوالات مطرح شده می‌توان اینگونه پاسخ داد که در بلندمدت علیت میان تولید و شاخص قیمت سهام و سایر متغیرهای مورد مطالعه وجود دارد. نتایج بدست آمده نیز نشان داد که متغیرهای نرخ ارز، نرخ تورم، و مالیات نیز به ترتیب تاثیرات مثبت، منفی و منفی بر تولید ناخالص داخلی دارند ولی میان تمام متغیرها و متغیر تولید ناخالص داخلی ارتباط بلندمدتی وجود دارد و تایید می‌شود. در انتها نتایج کسب شده و با توجه به موضوع مورد مطالعه پیشنهادهای در راستای بهبود شرایط تولیدی و همچنین بهبود وضعیت بازار سرمایه به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای موثر بر تولید ارائه شده است.

(۱) تنظیم نرخ بهره بین بانکی چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت متناسب با شرایط اقتصادی کشور می‌تواند یکی از راهکارهای مهم در حوزه افزایش اشتغال باشد؛ چراکه کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی و به تبع آن کاهش نرخ تسهیلات پرداختی به کارآفرینان در زمان تامین نقدینگی در گردش و سرمایه‌گذاران با هدف کاهش هزینه‌های استقراض و تامین مالی بخش خصوصی صورت می‌پذیرد و انتظار می‌رود این امر منجر به رشد اقتصادی در بلندمدت شود. متأسفانه در سالهای اخیر میان بازار سرمایه در ایران و نظام پولی و بانکی کشور هماهنگی لازم وجود نداشته و با افزایش نرخ بهره بین بانکی خروج نقدینگی بالایی از بازار سرمایه اتفاق افتاد و این موضوع سبب کاهش قیمت سهام و بالتبع کاهش سودآوری شرکت‌های تولیدی شد.

(۲) یکی از اساسی‌ترین موارد برای توسعه بازارهای مالی به خصوص بازار سرمایه، اجرای صحیح قوانین عقب‌مانده و تصویب شده در این حوزه می‌باشد. برای مثال اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از اصولی است که همواره در دولت‌ها مورد غفلت واقع شده و سبب بروز آثار زیانباری بر سیستم اقتصادی کشور ما شده است. این اصل بیان می‌کند که اقتصاد ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم بندی می‌شود. در این اصل تاکید بسیاری بر کنترل بزرگ شدن دولت و همچنین خصوصی سازی درست و اصولی و رشد و گسترش

بخش خصوصی شده است؛ چراکه اجرای صحیح و علمی این اصل می‌تواند سبب شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد، کاستن از بار مالی دولت‌ها و افزایش سهم بخش خصوصی از اقتصاد کشور شود. برای مثال آمارها نشان می‌دهند که با افزایش عرضه سهام بخش دولتی در بازار سرمایه (اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی) از سال ۱۳۹۱ به بعد تعداد معاملات در بازار سرمایه بالغ بر ۱۷۳ درصد رشد داشته است. همچنین حجم معاملات و ورود بخش خصوصی نیز به این بازار با افزایش قابل توجهی همراه بوده که حاکی از آن است که بازار سرمایه در سال‌های اخیر و با اجرای این قانون، سبب ورود شرکت‌های جدید و افزایش حجم ارزش معاملات و افزایش جذابیت بازار برای ورود عموم مردم شده است.

۳) علاوه بر موارد ذکر شده با افزایش ابزارهای مالی متنوع نیز می‌توان به وسیله رشد و توسعه بازار سرمایه، سایر مولفه‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرارداد. نرخ بیکاری یکی از مهمترین مولفه‌هایی است که می‌تواند تحت تاثیر قرار بگیرد. تصمیم‌گیران در این حوزه می‌توانند با ورود و گسترش ابزارهای مالی متنوع سبب افزایش سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی مخصوصا بازار سرمایه شوند. این راهکار از دو طریق مستقیم (عرضه اولیه) و غیر مستقیم (تنظیم رشد صنعت سرمایه‌گذاری و اجرای قوانین این حوزه) قابل اجراست. چراکه شرکت‌های نوپا و حتی دانش بنیان می‌توانند با عرضه سهام خود در بازار از جذب نقدینگی خوبی برخوردار شوند و با استفاده از همین نقدینگی استخدام نیروی کار جدید و افزایش تولیدات خود را در دستور کار قرار دهند. به همین دلیل است که تسهیل ورود شرکت‌ها به بورس به عنوان یکی از راهکارهای تامین مالی و افزایش اشتغال همواره مورد توجه تصمیم‌گیران بوده است.

۴) در همین راستا نیز پیشنهاد می‌شود تا ابزارهای متنوع مالی برای دوطرفه کردن بازار (به عنوان مثال فروش استقراضی) طراحی یا اصلاح شوند تا علاوه بر اینکه حجم معاملات و گردش پول در بازار در زمان‌های نزول وارد رکود نشود (به علت اریب زیان‌گریزی سرمایه‌گذاران که در زمان کاهش قیمت‌ها کمتر تمایل به مبادله و اصلاح سبد دارایی‌های خود دارند)، ابزار مناسبی برای جلوگیری از تشکیل حباب قیمتی و نوسانات شدید در بازار به وجود آید. همچنین ابزارهای مربوط به پوشش و انتقال ریسک شامل

قراردادهای اختیار معامله ۱ و آتی ۲ بر روی تمامی دارایی‌های پایه موجود در بورس، قراردادهای آتی نرخ سود ۳، قراردادهای تاخت ریسک نکول ۴ و ... به منظور استفاده تمامی فعالین اقتصاد و عمق بخشیدن به بازار، توسعه و معرفی شوند.

۵) افزایش مشارکت بانک‌های تجاری و خصوصی کشور در بازار سرمایه و افزایش صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم مردم در این بازار، یکی دیگر از مولفه‌هایی است که می‌تواند بر تامین مالی شرکت‌ها و افزایش نقدشوندگی بازار سرمایه و رشد و توسعه آن در جهت بهبود اشتغال و کاهش بیکاری تاثیر چشمگیری داشته باشد. شاید تجربه آمریکا در مجاز شمردن بانکداری جامع (ایفای نقش تامین سرمایه investment banking توسط بانک‌های تجاری) پس از دهه‌ها ممنوعیت، در همین راستا بوده است و زمان آن فرارسیده است که بانک‌های تجاری ایران نیز از طریق شرکت‌های تامین سرمایه وابسته به خود، علاوه بر نقش تامین مالی از منبع بدهی به تامین مالی از منبع حقوق صاحبان سهام، مشارکت بیشتری داشته باشند تا همزمان با هجوم نقدینگی به سمت بازار سرمایه به جای بعضاً تشکیل حباب در سهام شرکت‌ها، به تشکیل سرمایه در بنگاه‌های اقتصادی و افزایش اشتغال و همچنین پایداری منابع در بازار سرمایه و جلوگیری از نوسانات شدید قیمتی در این بازار کمک کرده باشند.

۶) کاهش مالیات بر تولید در سیستم‌های تولیدی در سالیان اخیر نیز به منظور حمایت از تولیدکنندگان می‌تواند تاثیر به‌سزایی در رشد تولید و استخدام نیروی انسانی جدید در واحدهای تولیدی داشته باشد.

۷) ایجاد یک سیستم ارتباطی میان پلیس امنیت اقتصادی و شرکت‌های تولیدی به منظور حمایت همه جانبه و ایجاد دسترسی سریعتر واحدها به این پلیس جهت تسریع در روند ارتباط و دادن مشاوره‌های تخصصی علمی و پلیسی به واحدهای تولیدی (این بند نیازمند نوآوری و استفاده همه جانبه از ظرفیت‌های پلیسی و علمی واحد پلیس امنیت اقتصادی و ایجاد هم افزایی با اساتید دانشگاه و جامعه نخبگانی کشوری می‌باشد)

۱ -option

۲ -Future

۳ -forward rate agreement

۴ -credit default swap

علاوه بر موارد ذکر شده در ادامه به شرح برخی از مهمترین وظایف پلیس امنیت اقتصادی و ارائه پیشنهادهایی به این پلیس جهت تقویت اقدامات موثر بر حوزه تولید پرداخته شده است.

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمونهای اقتصادسنجی در نرم افزار مذکور و همچنین بررسی‌های میدانی می‌توان قاجاق کالا و ارز و همچنین متغیر نرخ ارز و اختلاس و احتکار و همچنین مالیات را از مهمترین متغیرهای موثر بر تولید دانست. در همین راستا به پلیس امنیت اقتصادی با توجه به نتایج کسب شده توصیه می‌گردد که به صورت نوآورانه و با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در زمینه‌های مقابله با تحریم‌ها، نحوه نقل و انتقال پول از راه‌های کیف پول‌های مجازی و امن و همچنین ایجاد درگاه‌های ارتباطی میان شرکت‌ها به منظور هم افزایی و ایجاد بازارهای مشترک و همچنین در راهکاری دیگر هم افزایی دوجانبه با شرکت‌های تولیدی داشته باشد. به طور مثال تعیین کارشناس جهت ارتباط مداوم و مستمر با شرکت‌های تولیدی به منظور بهره‌گیری شرکت از امکانات پلیس امنیت اقتصادی فراجا می‌تواند راهکاری بسیار مفید در جهت ارتباط بیشتر و هم افزایی ادامه دار با شرکت‌های تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی یا پارک‌های علم و فناوری باشد.

در زمینه مالیات نیز پلیس امنیت اقتصادی باید با هرگونه فرار مالیاتی به صورت سیستمی و یا غیرسیستمی برخورد قاطع داشته باشد و در عین حال با هماهنگی سایر دستگاه‌ها همچون اداره امور اقتصاد دارایی و مالیات پیگیر رفع مواند تولید به واسطه مالیات‌های پرداختی شرکت‌های تولیدی باشد. همانگونه که مشاهده شد طی هفته‌های اخیر به صورت تلویحی و یا حتی رسمی دولت مالیات تولیدی بر شرکت‌ها در سال ۱۴۰۲ را به میزان ۷ درصد کاهش داده که سودآوری خوبی بر این واحدها می‌تواند داشته باشد. همچنین در این حوزه با نظارت مستمر و دقیق پلیس امنیت اقتصادی با هماهنگی سایر دستگاه‌های مربوطه بر پایانه‌های فروشگاهی و ایجاد درگاه پرداخت‌های رمز ارز الکترونیکی با هماهنگی بانک مرکزی برای سهولت کار تولیدکنندگان می‌تواند از بار مالیاتی واحدهای تولیدی بکاهد.

در زمینه کنترل نرخ ارز نیز به منظور هماهنگی بیشتر پلیس امنیت اقتصادی با دستگاه‌های مرتبط همچون بانک مرکزی، صرافی‌ها و همچنین وزارت امور اقتصاد دارایی و وزارت

امور خارجه می‌توان به تعریف ماموریت های جدید در این واحد پلیس متناسب با شرایط روز کشور و همچنین توانمندی های موجود با استفاده از نیروهای نخبه دانشگاهی و اساتید دلسوز نمود. همچنین نتایج گویای آن بود که با بهبود وضعیت تولیدی کشور و ایجاد رشد اقتصادی می‌توان انتظار بهبود سایر مولفه های اقتصادی همچون بازار سرمایه، نرخ بیکاری و نرخ ارز را نیز شاهد بود. در کلامی کلی باید گفت که هرگونه تغییر و تحول در زمینه های اقتصادی در کشور در پلیس امنیت اقتصادی و حتی دستگاه های امنیتی مربوطه نیازمند تغییر نگرش و همچنین تعریف وظایف جدید در حوزه های مقابله قاطعانه با قاچاق کالا و ارز، پولشویی از طریق بازار سرمایه (ورود پول های کثیف به بازار و خروج به صورت رسمی)، برخورد با برهم زندگان امنیت و نظم در حوزه ارزی و اقتصادی و همچنین هماهنگی با سایر دستگاه ها در حوزه بهبود بازار سرمایه به منظور تامین مالی شرکت ها از این طریق می‌باشد که لازمه آن استفاده این پلیس از ماموران نخبه اقتصادی، نخبه ها و فارغ التحصیلان دانشگاهی و همچنین اساتید و صاحب نظران به صورت علمی و دقیق می‌باشد. امید است که ایران عزیز اسلامی در پرتو الطاف الهی به بالاترین درجات در تمامی زمینه ها دست یابد.

منابع

- فرهنگ دوست، محمد(۱۳۹۸)، رابطه‌ی بازار بورس و نرخ بیکاری در اقتصاد ایران. سومین کنفرانس علمی تحقیقات کاربردی در علوم و تکنولوژی ایران: ۳-۱.
- دیزجی، منیره؛ کتابفروش بدری، آرش(۱۳۹۷)، ارزیابی همزمان متغیرهای عمده بازار سهام و بیکاری: مورد صنعت ایران. نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۲(۵): ۱۹-۳۲.
- علوی راد، عباس؛ حق نویس، حمید(۱۳۹۰)، تاثیرات بلند مدت و کوتاه مدت متغیرهای پولی و ارزی بر قیمت سهام در ایران. فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۲(۴): ۴۳-۵۹.
- فلاح، محمد؛ بخشی، مجید و مهدی زاده تراسانی، ابوالفضل(۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی با شاخص کل بورس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری.
- آقایی، محمدعلی؛ مختاریان، امید (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر تصمیم گیری سرمایه گذاران بر بورس اوراق بهادار تهران. نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲: ۲۵-۳.
- ازوجی، علاالدین؛ عسگری، منصور(۱۳۸۴)، ارزیابی عوامل موثر بر رشد اشتغال در اتحادیه‌های تجاری و منطقه‌ای و توصیه‌های سیاستی برای بازار کار ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۵(۴): ۳۲-۴۵.
- محمدی، تیمور؛ مسجدی، فرح(۱۳۷۶)، بررسی رابطه نرخ ارز با برخی متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. مجله برنامه و بودجه، ۱۸: ۹۳-۵۷.
- غروی نجوانی، سید احمد(۱۳۸۶)، بحران بیکاری در اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۷۳(۴و۳): ۱۳۲-۱۰۷.
- بهنامیان، مهدی(۱۳۹۱)، اثر نرخ حقیقی ارز بر نرخ بیکاری در ایران. مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱و۱۲(۱۲): ۴۰-۲۳.
- کرباسی، علیرضا(۱۳۸۷)، پیش بینی بخش کشاورزی در اقتصاد ایران. مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی(علوم و صنایع کشاورزی)، ۲۲(۲).
- اکبریان، رضا؛ حیدری پور، سید محسن (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر توسعه بازار مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۳): ۴۴-۴۳.
- سلاطین، پروانه؛ قلمزن نیکو، کامیار و غفاری صومعه، نیلوفر (۱۳۹۵)، تاثیر بازارهای مالی بر شاخص فلاکت: رهیافت داده‌های تلفیقی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۳۵): ۱۵۲-۱۳۱.
- دیزجی، منیره؛ کتابفروش بدری، آرش(۱۳۹۷)، ارزیابی همزمان متغیرهای عمده بازار سهام و بیکاری: مورد صنعت ایران. نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۲(۵): ۱۹-۳۲.

- ترحمی، فرهاد(۱۳۸۸)، اهمیت بخش خدمات مالی در ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران. مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، (۹۲ و ۹۱): ۵-۲۵.
- جلایی، سید عبدالمجید؛ میر، هدیه و رحیمی پور، اکبر (۱۳۹۵)، تاثیر بازدهی سهام بر تابع تقاضای بازار کار در ایران. نشریه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۲(۶۳): ۳۲-۶۷.
- مومنی، فرشاد(۱۳۸۹)، پاشنه آشیل توسعه. فصلنامه اقتصاد و جامعه، ۶(۱۹ و ۲۰).
- دوانی، غلامحسین(۱۳۸۴)، قیمت گذاری سهام شرکت‌های تولیدی فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران. انتشارات تصویر.
- دوانی، غلامحسین(۱۳۸۴)، قیمت گذاری سهام شرکت‌های تولیدی فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران. انتشارات تصویر.
- اصولیان، محمد(۱۳۸۴)، بررسی تاثیر تغییر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص قیمت صنایع پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ولی‌نژاد، مهدی(۱۳۹۷)، بررسی رشد اقتصادی و نرخ ارز بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه غیرانتفاعی مقدس اردبیلی.
- حسینی، سیدصدفدر؛ قلی‌زاده، حیدر(۱۳۸۹)، بررسی تورم و بیکاری در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۴(۴۳): ۲۳-۵۴.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱)، مورد پژوهی؛ فرآیندی برای نظریه پردازی بر اساس دانش پنهان منابع انسانی (مورد: صنعت آب و برق): فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۳(۱): ۲۷-۵۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، ظهور و تکامل تامین اجتماعی: فصلنامه تامین اجتماعی، ۵(۴): ۹-۱۲.
- بهنامیان، مهدی (۱۳۹۱)، اثر نرخ حقیقی ارز بر نرخ بیکاری در ایران. مجله اقتصادی(ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۱(۱۲): ۲۳-۴۰.
- سجادی، سید حسین؛ فرازمنند، حسین و صوفی هاشم، علی(۱۳۸۸)، بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص بازده نقدی سهام در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه‌ی علوم اقتصادی، ۱۰(۲): ۳۹.
- محمدی، تیمور؛ ابونوری، عباسعلی؛ محمدنژاد، رویا(۱۳۹۴)، تحلیل رابطه علی بین نرخ تورم و بیکاری در اقتصاد ایران. فصلنامه علوم اقتصادی، ۹(۳۰): ۴۰-۴۲.
- ابریشمی، حمید؛ مهرآرا، محسن؛ احراری، مهدی و میرقاسمی، سوده(۱۳۸۸)، الگوسازی و شبیه سازی رشد اقتصاد ایران با رویکردعصبی GMDH، مجله تحقیقات اقتصادی، (۸۸): ۱-۲۴.
- ولی‌نژاد، مهدی(۱۳۹۷)، بررسی اثر رشد اقتصادی و نرخ ارز بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران.

کاوینانی، زینب (۱۳۹۰)، تاثیر نرخ تورم بر فعالیت بازار سهام ایران (طی برنامه چهارم توسعه).

محمدی، تیمور؛ ابونوری، عباسعلی؛ محمدنژاد، رویا (۱۳۹۴)، تحلیل رابطه علی بین نرخ تورم و بیکاری در اقتصاد ایران. فصلنامه علوم اقتصادی، ۹(۳۰): ۴۰-۴۲.

اخباری، محمد؛ جوزی، عباس (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل نرخ بیکاری همراه با تورم غیرشتابان در اقتصاد ایران. فصلنامه روند، ۲۴(۷۷): ۱۳-۳۰.

Dehejia, R., & Gupta, N. (۲۰۱۴), financial Development and Occupational Choice: evidence from india. DRI working paper ۹۶, electronic journal.

Farsio, F., & Fazel, Sh. (۲۰۱۳), The Stock Market/Unemployment relationship in USA, China and Japan. International Journal of Economics and Finance, ۵(۳), ۲۴-۲۵.

Nosipho, T., Zandile, T., Molebogeng, L., Ebersohn, J., & Andrew, Ph. (۲۰۱۶), The nemployment-stock market relationship in South Africa: Evidence from symmetric and asymmetric cointegration models. MPRA Paper No: ۷۴۱۰۱.

Ball, L., Mankiw, G., Romer, D. (۱۹۸۸), the new Keynesian economics and output-inflation trade-off. Brook. Pap. Econ. Act. ۱, ۱-۶۵.

Solnik, Bruno. (۱۹۹۲), the relation between stock price and inflationary expectations: the international evidence. The jornal of finance, march ۱۹۸۳, p.۳۷.

Graham, Fred, c. (۱۹۹۶), inflation, real stock returns and monetary policy, applied financial economics. February ۱۹۹۶, ۲۹-۳۵.

Funke, nurbet. (۲۰۰۶), macroeconomic news and stock returns in the united states and Germany: international monetary fund, Akimi Matsuda, new York university.

Pilinkus, D., Boguslauskas, V. (۲۰۰۹), the short-run relationship between stock market prices and macroeconomic variables in Lithuania: An application of the Impulse response function. economics of engineering decisions, ۵۵(۵).

John, H. boyd., ravi, Jagannathan and liu, Qianqiu (۲۰۰۶), the stock market reactions to unemployment news, stock-bond return correlations, and the state of the economy: journal of investment management, ۴(۴): ۷۳-۹۰.

Arestis, Philip., Baddeley, michelle & sawyer, Malcolm (۲۰۰۷), the relationship between capital stock, unemployment and wages in nine EMU countries. Bulletin of economic research, ۵۹(۲).

Abraham, K., & Katz, L. (۱۹۸۶), Cyclical unemployment: sectoral shifts or aggregate disturbances?. Journal of Political Economy, ۹۴, ۵۰۷-۵۲۲.

Black, F. (۱۹۸۷), Business cycles and equilibrium. Basil Blackwell Inc: New York.

Boyd, J., Hu, J. & Jagannathan, R. (۲۰۰۵), The stock market's reaction to unemployment news: Why bad news is usually good for stocks. The Journal of Finance, ۶۰(۲), ۹۹۹-۶۷۲.

Blanchard, O. (۱۹۸۱), Output, the stock market and interest rates. *The American Economic Review*, ۱۱, ۱۷۷-۱۸۵.

Bamidele, M., Ilo. (۲۰۱۲), Capital Market and Unemployment in Nigeria. *Acta Universitatis Danubius*, ۱۱(۵): ۱۲۹-۱۳۰.

Brainard, S., & Cutler, D. (۱۹۹۳), Sectoral shifts and cyclical unemployment reconsidered. *The Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۸(۱), ۲۱۹-۲۴۳.

Chen, N., Roll, R., & Ross, S. (۱۹۸۶), Economic forces and stock market. *Journal of Business*, (۹۹), ۳۱۳-۹۹۹.

Cakan, E., Doytch, N., & Upadhyaya, K. (۲۰۱۵), Does US macroeconomic news make emerging financial markets riskier. *Borsa Istanbul Review*, ۱۵(۱), ۳۷-۴۳.

Cakan, E. (۲۰۱۲), The business cycle and impacts of economic news on financial markets, *Journal of Business and Economics Research*, ۱۰(۶), ۳۸۵-۳۹۰.

Chehal, P., Loungani, P., & Trehan, B. (۲۰۱۰), Stock-market-based measures of sectoral shocks and the unemployment rate, *FRBSF Economic Letter*, (۲۳), ۱-۵.

Cutler, D., Poterba, J., & Summers, L. (۱۹۸۸), What moves stock prices?. NBER Working Paper No: ۲۵۳۸.

Dehejia, R., & Gupta, N. (۲۰۱۴), financial Development and Occupational Choice: evidence from india. DRI working paper ۹۶, electronic journal.

